

سیاست جنایی حمایت از کودکان در معرض انحراف در اسناد بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران

بهنام نیکو^۱ - اسماعیل عبدالهی^۲ - مریم صفایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۶

چکیده:

در عصر حاضر از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالاحص حقوقدانان و جرم-شناسان، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه‌های انحراف و کجروی آنها در جامعه می‌باشد. از آنجا که دلایل و عوامل بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می‌باشند، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود. این روش تحت عنوان سیاست کیفری مربوط به کودکان و نوجوانان بزهکار اهمیت فراوانی دارد. برخورداری از یک سیاست جنایی و کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می‌تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیشگیری از وقوع جرائم در آینده است، کمک فراوانی کند. بنابراین سیاست جنایی در قبال اطفال در معرض انحراف باید سیاست جنایی پیشگیری باشد تا با تصویب قانونی در جهت حمایت از کودکان در معرض خطر بزهکاری و بزه دیدگی گام بردارد. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست جنایی حمایت از کودکان در معرض انحراف در اسناد بین‌المللی و در حقوق کیفری ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، حقوق کودکان، پیشگیری، اسناد بین‌المللی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

behnam.nikou@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران: نویسنده مسئول
smael4520@iran.ir

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران
safae.maryam@yahoo.com

مقدمه

جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت آمیز با هموعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشه‌ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت‌هایی که در معیارهای سنجش ارزش‌ها در حیطه‌های گوناگونی وجود داشته، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافته است. وانگهی، تمام انسانها از هر قوم و قبیله، نژاد و مذهب، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری‌ترین اعمال فردی و اجتماعی، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می‌باشد. اقدامی که شرط ضروری و انکار ناپذیر رشد و ترقی جامعه انسانی تلقی می‌شود. کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آنها تضمین کننده سلامت جامعه در آینده است. بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آنها توجه ویژه‌ای مبذول داشت. بررسی ریشه‌ای مسائل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال، برای رسیدن به یک جامعه ایده آل، شرطی ضروری است. در واقع از قدیم الایام گفته‌اند، پیشگیری بهتر از درمان است. طبعاً اگر طفلی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد، قهراً بازپروری وی مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت و مضاعفی خواهد بود. از طرف دیگر بسیاری از افرادی که همواره مرتکب جرائم گوناگون می‌شوند، همان کودکان بزهکار دیروز هستند. از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالاحص حقوقدانان و جرم‌شناسان، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه‌های انحراف و کجروی آنها در جامعه می‌باشد. مفهوم بزهکاری در اوایل قرن بیستم شکل گرفت، تا قبل از آن با متخلفین جوان و مجرمین بزرگ سال رفتاری تقریباً یکسان می‌شد. جایگاه ویژه‌ای برای کودکی در طول قرن‌ها و به آهستگی تکوین یافت. زندگی خانواده اولیه شامل رسومی چون اقتدار بی چون و چرای پدر و انضباط شدید و جدی بود. از کودکان انتظار می‌رفت که در سن کم نقش‌های بزرگسالانه را بر عهده بگیرند. با ظهور هر نشانه‌ای از عدم اطاعت یا بدرفتاری، کودکان به شدت مجازات می‌شدند. در چنین وضعیتی طبیعی بود که با قانون شکنی آنان با شدت بیشتر برخورد شود. با گذشت زمان و تحول فکر و اندیشه و تغییر در ساختار خانوادگی، همچنین تغییرات نظری در عرصه‌های جرم و بزهکاری، گام‌هایی در جهت کاهش مسئولیت کودکان در قوانین جزایی برداشته شد و با ایجاد دسته بندی مجزا برای بزهکاری، از بزهکاران در برابر تأثیر منفی مجرمان بزرگسال حمایت گردید. هرگاه خانواده و جامعه نسبت به کودکان و نوجوانان بی توجه و سهل انگار باشند و کودکی به

بزهکاری روی آورد و به زندگی ناسالم عادت کند، در بزرگسالی احتمال بازگشت به اجتماع و اصلاح وی تقریباً غیرممکن است. به همین جهت است که تمام تلاش حقوقدانان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، یافتن نظام قضایی و تربیتی ویژه‌ای برای بزهکاری خردسال و نوجوان است و این تلاش‌ها ارایه راه حل‌ها و الگوهای خاصی برای تربیت و جایگزینی مجازات است که منجر به تصویب مقررات خاصی در قوانین کشورها و قوانین بین‌المللی شده است. بزهکاری مفهومی است که غالباً در مورد کودکان و نوجوانان به کار می‌رود، زیر بسیاری از رفتارهایی که برای کودکان و نوجوانان به اقتضای سن و ماهیت رفتار، تخلف محسوب می‌شود، در صورت ارتکاب توسط بزرگسالان تخلف شناخته نمی‌شود. بنابراین تمرکز اصلی این متن بر مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان است. بزهکاری نوجوانان به دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارد تحت نظارت مجریان قانون، دادگاه‌های اطفال و دستگاه‌های اصلاح و تربیت که در مجموع نظام دادرسی نوجوانان را تشکیل می‌دهند، قرار می‌گیرد. آنها ممکن است توسط پلیس بازداشت شوند، پرونده‌هایشان در دادگاه اطفال یا دادگاه خانواده مورد رسیدگی قرار گیرد و به محلی که برای اصلاح کودکان دچار مشکل تأسیس شده است، فرستاده شوند. امروزه دغدغه مربیان، متخصصین و سیاست‌گذارانی که معتقدند کودکان امروز، شهروندان فرداوند و بقاء، حمایت و توسعه آنان پیش شرطی برای توسعه آینده بشریت است. تعیین شیوه اصلاح و بازپروری نوجوانان خشن است. هنوز روشن نیست که بزهکاران نوجوانان به برخوردهای ملایم بهتر پاسخ می‌دهند یا به مجازات‌های سخت؛ لذا انجام پژوهش در این زمینه بسیار ضروری می‌باشد. بر این اساس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: نقش سیاست جنایی حمایت از حقوق کودک در اسناد بین‌المللی به چه صورتی می‌باشد؟ و همچنین سوالاتی نظیر قوانین حمایت از حقوق کودک در اسناد بین‌المللی از چه جایگاهی برخوردارند؟ و نیز در نظام حقوقی ایران حمایت از حقوق کودک به چه صورتی می‌باشد؟

مفهوم کودک

منظور از کودک کسی است که به واسطه صغر سن، قوای جسمی، فکری و عاطفی آنقدر رشد نکرده است که قادر به حفاظت از خود باشد و اختیار امور خود را بدست گیرد و بدین جهت نیازمند مراقبت و حمایت از سوی والدین یا سرپرست قانونی خود می‌باشد. این برداشت که مبتنی بر عینیات و مشاهدات است با تعاریف و تقسیمات روان‌شناسی از دوران کودکی نیز

مباینتی ندارد. مفهوم کودک از نظر قانونی؛ پس از بررسی قوانین ایران در می‌یابیم که تعریف جامع و مانعی از کودک ارائه نشده است، در نتیجه مرز کودکی و بزرگی نامشخص است. در برخی از مواد قانون، پایان کودکی رسیدن به سن بلوغ است که شاخصه آن تحولات جسمانی است. در پاره‌ای از مواد قانونی دیگر، پایان دوره کودکی رسیدن به سن رشد است که شاخصه آن داشتن قدرت عقل و دفاعی است. در برخی از موارد هم قانون‌گذار حداقل سن را برای اشتغال در مراکز تولیدی تعیین کرده و همچنین در مواردی از قانون حداقل سن برای شرکت در انتخابات و همه‌پرسی اعلام شده است. (طاهری، ۱۳۸۹: ۵۱-۶۸) به هر صورت این هرج و مرج قانونی که از تعریف عنوان طفل برآمده ناشی از خلا یک تعریف جامع و کامل از کودک است، مانع کار پژوهشگرانی می‌شود که حقوق کودک و حمایت از او را مورد توجه و تدقیق قرار می‌دهند، این پژوهشگران در ابتدا تلاش می‌کنند تا کشف کنند به موجب قوانین ایران چه کسی کودک است و چه کسی بزرگسال است.

در جایی دیگر بیان شده است: هر شخص زیر ۱۸ سال نوجوان نامیده می‌شود. در معاهده حقوق کودک، سن طفل، زیر ۱۸ سال تبیین شده، ولی چون به حقوق داخلی در این زمینه منوط شده است؛ باید معیارهای مناسب‌تری در نظر گرفته شود و منافع اطفال نیز لحاظ گردد. به این جهت در سیستم حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری را برای نوجوانان پذیرفته‌اند، شروع آن سن نباید در سطح بسیار پایین باشد و باید ملاک‌هایی همچون بلوغ عاطفی و فکری مورد توجه قرار گیرد. بنابراین باید تلاش نمود تا برای تعیین پایین‌ترین محدوده سنی معقول که از لحاظ بین‌المللی قابل اجرا باشد، توافق حاصل گردد تا اطفال و نوجوانان و جوانان بتوانند با معیارهای خاص در سطح بین‌المللی مشخص گردند و به احقاق حقوق خود نائل گردند.

طفل، هم‌اکنون در قانون مدنی ایران، به ویژه در پرتو تحولات پس از انقلاب اسلامی و نیز مفهوم مسئولیت کیفری آن در قانون مجازات اسلامی دستخوش تغییرات گسترده‌ای بوده است. این تغییرات بر اندیشه قضات، رویه قضایی و به طور کلی سیاست جنایی قضایی آثاری گسترده داشته است. (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۲۹) پس از بیان مطالب فوق در می‌یابیم که تعریفی از طفل ارائه نشده است و تنها به تعیین میزان سن مسئولیت کیفری بسنده کرده است، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار در ماده ۱۴۷ چنین مقرر می‌دارد: «سن بلوغ، در دختران و پسران به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری است».

جایگاه حقوق کودکان در اسناد بین‌المللی

در خصوص اسناد بی‌المللی نیز باید گفت که اهمیت جایگاه و نقش کودکان سبب توجه روز افزون به آنان شده است. در چند دهه اخیر بسیاری از اسناد و اجلاس‌های حقوق بشری ضمناً یا مستقلاً به حقوق آنها پرداخته، برای تأمین مصالح عالی‌ه کودکان، تکالیف و تعهداتی بر دوش دولت‌ها و خانواده‌ها نهاده‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰)، اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد ضمن موضوعات متنوع، حقوق کودک را نیز مطرح کرده‌اند. از سوی دیگر اسنادی وجود دارد که سراسر به حقوق کودکان مربوط هستند، از جمله: اعلامیه جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹) حداقل مقررات مطلوب سازمان ملل متحد برای اداره دادرسی ویژه نوجوانان (مقررات پکن ۱۹۵۹)، مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰) محور اصلی شماری از کنفرانس‌های بین‌المللی نیز حقوق کودکان و بررسی نحوه ارتقای وضعیت آنها بوده است. (پیکا، ۱۳۸۹: ۵۲)

از جمله می‌توان به این اجلاس‌ها و اعلامیه‌های تدوین شده در آنها اشاره کرد: بیانیه تهران (۱۹۶۸)، اجلاس جهانی سران برای کودکان (۱۹۹۰)، اعلامیه وین و برنامه اقدام (۱۹۹۳)، کنفرانس جهانی مقابله با سوء استفاده جنسی تجاری کودکان (۱۹۶۶)، اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد کودکان (۲۰۰۲) اما مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد کودکان پیمان نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ و لازم الاجرا شده در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ است و نیز دو پرتکل اختیاری: یکی درباره فروش، فحشا و هرزه نگاری کودکان (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، می ۲۰۰۰ و لازم الاجرا شده در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲) و دیگری درباره به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه (مصوب مجمع عمومی ملل متحد، ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ و لازم الاجرا شده از ۱۲ فوریه ۲۰۰۰). (مقدمه پیمان نامه حقوق کودک) اسناد بین‌المللی دیگر نیز موادی را به صورت خاص به کودکان اختصاص داده‌اند. از قبیل کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴۱۱ ق، اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ در ژنو، اعلامیه کنفرانس جهانی زن مصوب ۱۹۹۵ در پکن و ...

همانگونه که گفته شد اولین سند بین‌المللی راجع به کودکان در عرصه بین‌المللی، به سال ۱۹۵۹، پس از جنگ جهانی دوم، مربوط می‌شود: مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب کرد. این اعلامیه یک مقدمه و ده اصل درباره کودکان دارد. در مقدمه اعلامیه آمده است:

«نظر به اینکه کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد، به مراقبت و توجه خاص، شامل حمایت قانونی مناسب، نیازمند است، مجمع عمومی سازمان ملل این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توام با خوشبختی باشد و از کودک و جامعه اش از حقوق و آزادی‌هایی بهره مند شود که در ادامه خواهد آمد، رسماً به آگاهی عمومی می‌رساند...» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۶۶)

اعلامیه مذکور باعث شد کشورهای عضو سازمان ملل متحد توجه ویژه‌ای به حقوق کودکان کنند. این اعلامیه در قوانین و مقررات داخلی کشورها تاثیر فزاینده‌ای گذاشت و اقدامات خوبی در شناسایی حقوق کودک انجام پذیرفت. توجه کشورها به این موضوع زمینه‌ای شد تا در عرصه بین‌المللی، فکر تدوین کنوانسیون ویژه کودکان ایجاد شود. البته در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه حمایت از زنان و اطفال در مواقع اضطراری و منازعات مسلحانه و جنگ را تصویب کرد.

بنابراین، مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون حقوق کودک را پس از ۱۰ سال مذاکره میان کشورهای عضو سازمان ملل، در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، تصویب و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم الاجرا کرد. کنوانسیون یک مقدمه و سه بخش دارد و شامل ۵۴ ماده است.

محورهای اصلی کنوانسیون حقوق کودک عبارتند از: حمایت، مراقبت، عدالت، آموزش، احترام و اکرام پیمان نامه حقوق کودک به صورت تفصیلی به حقوق کودکان پرداخته است. ماده ۳۲ این کنوانسیون مقرر می‌دارد:

۱. کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت حمایت شدن در برابر استثمار اقتصادی و انجام هرگونه کاری که زیانبار بوده و یا توقیفی در آموزش وی ایجاد کند و یا برای بهداشت جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و یا پیشرفت اجتماعی کودک مضر باشد را به رسمیت می‌شناسد.

۲. کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت تضمین اجرای این ماده به عمل خواهند آورد. در این راستا اسناد بین‌المللی، کشورهای طرف

کنوانسیون خصوصا موارد ذیل را مورد توجه قرار خواهند داد:

الف: تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب: تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

پ: تعیین مجازات‌ها و یا اعمال سایر ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت تضمین اجرای موثر

این ماده.

ماده ۳۶ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: کشورهای طرف کنوانسیون از کودکان در برابر تمام اشکال استثمار که هر یک جنبه‌های رفاه کودک را به مخاطره می‌اندازد، حمایت خواهند کرد. در این زمینه، مقاوله شماره ۲۹ (۱۹۳۰) استفاده از کار اجباری یا تحمیلی را در همه اشکال آن محکوم می‌نماید و واژه کار اجباری یا تحمیلی به معنای همه کارها یا خدماتی تلقی می‌شود که براساس تهدید به مجازات، از افراد به زور خواسته می‌شود و افراد خود را برای آن کار به طور داوطلبانه عرضه نداشته‌اند.

ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) به دولت‌های طرف آن سفارش می‌کند که از افراد جوان در برابر بهره‌کشی اقتصادی و از اشتغال به کارهای زیان‌آور و نیز در برابر کارهایی که احتمالا مانع رشد طبیعی آنها می‌شود حمایت نماید. (همتی، ۱۳۸۳: ۵) همچنین این سند دولت‌ها را متعهد می‌سازد که محدودیت‌هایی وضع نماید تا اشتغال کارمزدی کودکان پایین‌تر از حداقل سن ممنوع و طبق قانون قابل مجازات گردد.

بر اساس ماده ۱۹ پیمان نامه جهانی حقوق کودک، کشورهای عضو باید جهت حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی و هرگونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند. البته دولت‌های امضا کننده پیمان نامه جهانی حقوق کودک نیز موظف شده‌اند که اقدامات لازم برای محافظت از کودکان در برابر استفاده غیر مجاز از مواد مخدر، داروهای روان‌گردان و قاچاق این مواد را انجام دهند. (طارمی، ۱۳۸۹: ۸)

تاکنون ۱۹۳ کشور و به عبارتی تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی این سند را امضا کرده‌اند. دو کشوری که ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا هستند، هر یک به دلیل متفاوتی این پیمان نامه را امضا نکرده‌اند. برای تایید این قانون در آمریکا رای اکثریت دو سوم نمایندگان مجلس سنای این کشور لازم است. از دید قانونگذاران آمریکا هیچ پیمان و معاهده بین‌المللی نباید قدرت تاثیرگذاری بر قانون اساسی آمریکا را داشته باشد. سومالی برعکس یک کشور آفریقایی بدون دولت مرکزی قوی و گرفتار جنگ داخلی است. در کنار این دو نمونه،

بسیاری از دولت‌ها به این دلیل که برخی از مواد این پیمان نامه را با فرهنگ و دین و اعتقادات مردم خود مغایر تشخیص داده‌اند، به صورت مشروط پیمان نامه را امضا کرده‌اند و صریحاً گفته‌اند که برخی از مواد آن را اجرا نمی‌کنند. دولت ایران پیمان نامه حقوق کودک را در سال ۱۹۹۰ به صورت مشروط امضا کرد. چهار سال بعد در اسفند سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۴) مجلس شورای اسلامی کنوانسیون حقوق کودک، شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده را تصویب کرد و به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۴/۱۱/۱۳۷۲ خود ۹ بند و تبصره کنوانسیون را مخالف با موازین شرع اعلام کرد. مجلس در بررسی مجدد، ماده واحده را به شرح زیر اصلاح کرد: «کنوانسیون حقوق کودک... به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد» و مصوبه در شورای نگهبان تایید و به دولت ابلاغ شد. (نوربها، ۱۳۹۱: ۹۴)

حمایت از حقوق کودکان در قوانین ایران

کودکان که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان، از همان سال‌های نخست زندگی، آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص خود به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. لذا حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده قاطبه دولت مردان فارغ از هرگونه گرایش سیاسی است و قانونگذار نیز در این زمینه سهمی به سزا دارد. وظیفه قانون-گذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی برای حفظ حقوق افراد جامعه است، بدین سان بررسی عملکرد مقنن ایرانی در حمایت کیفری از کودکان بزهکار و بزه دیده چالش‌های فراروی نهادهای اجرایی را در عملیاتی نمودن مصوبات مجلس آشکار می-سازد. غالب حمایت‌های مقنن از کودک بزه دیده به صورت حمایت‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی جلوه گر شده است. با این وجود مقنن در خصوص مجرمی که کودکی را قربانی جرم خود قرار دهد، رویه‌های متفاوت در نظر گرفته است. گاه کودکی بزه دیده را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید مجازات دانسته است، و سرانجام در مواردی به منظور حمایت ویژه از کودکان، ارتکاب اعمالی را که در حق بزرگسالان جرم نیست، در حق کودکان جرم دانسته است.

مقنن در مواردی، صغر سن بزه دیده را از علل تخفیف مجازات دانسته است؛ مثلاً در جرم قذف

قذف که مستوجب حد هشتاد ضربه شلاق حدی است، در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی پیشین مصوب ۱۳۷۰، شرط اجرای حد را، بلوغ، عقل، اختیار و قصد قذف کننده دانسته و از طرفی برای قذف شونده نیز شرط بلوغ، عقل، اسلام و عفت را قرار داده است. همچنین در ماده ۱۴۷، انسان بالغ و عاقلی که شخص نابالغ را قذف می‌کند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق دانسته است. بنابراین نابالغ بودن بزه دیده از موارد تبدیل مجازات حد به مجازات تعزیری یعنی از موارد تخفیف مجازات است. همچنین در جرم زنا، چنانچه پسر نابالغی، آلت دست زنی شوهردار قرار گرفته باشد، و زن مرتکب عمل زنا با او شود، (حد رجم ساقط شده و زن فقط به صد ضربه شلاق (حد جلد) محکوم خواهد شد. در قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲، صرفاً در ماده ۱۴۷ خود، سن بلوغ را مشخص کرده که با بررسی فصل دهم این قانون میزان مسئولیت کیفری دختران بالغ بالای ۹ سال تا ۱۵ سال و نوجوانان بالای ۱۵ سال تا ۱۸ سال تمام شمسی تغییرات گسترده‌ای کرده است که به نفع این دسته از افراد محسوب می‌شود.

طبقه بندی قوانین حمایتی کیفری کودکان و نوجوانان

در نظام حقوقی کودک مدار، کلیه قوانین و مقررات باید هم سو با منافع عالیه کودک و نوجوانان مدون گردد. قوانین کیفری از این قاعده مستثنی نیستند. در نظام حقوقی مزبور، قوانین حمایتی کیفری به شرح ذیل طبقه بندی می‌شود:

الف- قوانین کیفری ماهوی

در قوانین ماهوی کیفری که ناظر به تعریف جرم، مجازات و مسئولیت کیفری برای مرتکبان جرائم است، نظام حقوقی کودک مدار به گونه‌ای مدون می‌شود که اگر مرتکب جرم، کودک یا نوجوان باشد واکنش‌های ملایم فاقد جنبه سرکوبگری و آزاردهندگی مقرر شده و در آغاز با هدف قضازدایی، آنان را از دادرسی رسمی کیفری خارج نماید و در صورت عدم موفقیت این واکنش‌ها به گونه‌ای انتخاب شود که با لحاظ کیفرزدایی به باز سازگاری اجتماعی آنان منتهی گردد. در صورتی که بزه دیده کودک یا نوجوان باشد، برای حمایت از آنان سیاست کیفری شدیدی اتخاذ نماید و مرتکبان بزرگ سال جرائم علیه کودکان و نوجوانان را به گونه‌ای کیفر کند که جنبه بازدارندگی آن شفاف باشد و منتهی به هدف پیشگویی از تکرار جرم علیه آنان شود. (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰)

ب- قوانین کیفری شکلی

قوانین کیفری شکلی راجع به کیفیت کشف جرم، تعقیب متهمان، تحقیقات مقدماتی جرائم،

نحوه محاکمه، سازمان و صلاحیت مراجع قضائی، انتظامی، طرق شکایت از آراء کیفری و چگونگی اجرای احکام جزائی است. مقنن در تدوین این دسته از قوانین نیز باید منافع عالیه کودک و نوجوانان را اعم از اینکه متهم یا بزه دیده باشند، رعایت کند. جنبه حمایتی این قوانین نیز باید با لحاظ اصول دادرسی عادلانه و منطبق با دست آورده‌های علوم جنائی، جرم‌شناسی و کنوانسیون حقوق کودک بر همگان روشن باشد. در قوانین شکلی کیفری کودک مدار، دادرسی باید به گونه‌ای مقرر شود که حریم خصوصی کودک یا نوجوان را کاملاً حفظ کند و از زدن بر چسب اتهام به او بپرهیزد؛ در روند دادرسی وی را مشارکت دهد؛ برحسب اتهام به او بپرهیزد؛ در روند متخصصان مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی برای کشف واکنش‌های مناسب با شخصیت او استمداد کند؛ مساعدت حقوقی رایگان در اختیارش قرار دهد؛ اصول حقوق کیفری از قبیل اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل رعایت حق دفاع در فرآیند دادرسی یا اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل رعایت حق دفاع در فرآیند دادرسی یا اصل حق داشتن وکیل را رعایت کند؛ دادگاهی مستقل پیش بینی کرده و قضات ویژه اطفال آشنا به حقوق کودک برای انجام دادرسی انتخاب کند؛ پلیس ویژه اطفال برگزیند؛ در صورتی که کودک یا نوجوان بزه دیده باشد، در شیوه کشف و اعلام جرم تسهیل ویژه قائل شود. برای مثال، مصادیق اشخاصی را که بر مبنای اعلام جرم ایشان می‌توان مرتکب را تعقیب کرد توسعه دهد. همچنین، به افزایش حدود اختیارات ضابطان دادگستری برای نجات کودکان و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر بپردازد و سرانجام، به جرائم علیه کودکان و نوجوانان به صورت فوری و خارج از نوبت رسیدگی شود و از افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوانان بزه دیده و در معرض خطر جلوگیری به عمل آورد. (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱)

ج- قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و اصلاحات آن تا سال ۱۳۵۲

این قانون از حیث قواعد و مقررات شکلی و ماهوی کیفری قابل بررسی است. در قانون مجازات عمومی از حیث موضوع رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان مقررات خاصی پیش بینی نشده بود. فقط در صورتی که قانون مزبور برخلاف بزرگ سالان، رسیدگی به اتهام و محاکمه ایشان در دادگاه جنحه مقرر شده بود. ماده ۳۷ مقرر می‌داشت: « اشخاص مزبور در ماده قبل (اشخاص ۱۲-۱۸ سال) هرگاه مرتکب جرمی شوند، اگر چه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه می‌شوند، مگر آنکه شریک جرم یا معاون آن برحسب

اقتضای سن باید در محکمه جنائی محاکمه شود، در این صورت هر دو در محکمه جنایی محاکمه خواهند شد».

اگر چه در بادی امر این طور به نظر می‌رسد که تعیین صلاحیت دادگاه جنحه برای رسیدگی به جرائم جنائی نوجوانان، اتخاذ واکنش مناسب در مورد بزه کاری اطفال و برخورد ملایم قانون- گذار بوده است، اما برخی از حقوقدانان دلیل این موضوع را استقرار دادگاه‌های جنائی در مراکز استان‌ها، بیان کرده‌اند. به هر حال به جز مورد مزبور که از لحاظ صلاحیت تمایزی بین رسیدگی به اتهام نوجوانان و بزرگ سالان مقرر داشته بود، در سایر موارد قانونگذار مقررات یکسانی در خصوص شیوه رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان و بزرگ سالان پیش بینی کرده بود. دسته دوم از قوانین کیفری در راستای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان پس از استقرار جمهوری اسلامی، قوانین کیفری ماهوی است. بررسی این موضوع در قوانین زیر امکان‌پذیر است:

الف- قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵

قانونگذار عنوان فصل هفدهم کتاب پنجم ق.م.ا (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده- مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵) را به «جرائم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص داده است. در این فصل، برخی از مواد ناظر به جرم انگاری خاص یا تشدید کیفر در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه دیده است:

- تعرض، مزاحمت و توهین از طریق الفاظ و حرکات در اماکن یا معابر عمومی علیه اطفال (طبق ماده ۶۱۹ حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق)

- ربودن یا مخفی کردن کودک زیر ۱۵ سال به قصد مطالبه وجه یا مال یا انتقام یا به قصد دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا هر روش دیگر به حداکثر مجازات مقرر (طبق ماده ۶۲۱، ۱۵ سال حبس)

- ربودن، یا مخفی کردن طفل تازه متولد شده یا معرفی او به جای طفل دیگری ای متعلق به زن دیگر (طبق ماده ۶۳۱ شش ماه تا سه سال حبس)

- خودداری از استرداد طفل سپرده شده به شخص و افراد صلاحیت‌دار (طبق ماده ۶۳۲ حبس از سه ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال) - رها کردن طفل فاقد قدرت محافظت از خود در محل خالی از سکنه یا در محل آبادی و دارای سکنه و ایراد وقوع صدمه بدنی به وی (طبق ماده ۶۳۳ شش ماه تا دو سال حبس یا جزای

نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال یا نصف مجازات‌های مزبور و اعمال قصاص یا دیه یا ارزش برحسب مورد)

- ازدواج با دختر نابالغ (طبق ماده ۴۶۴ شش ماه تادو سال حبس)

این مواد ناظر به حمایت از کودکان و نوجوانان بزه دیده است. اما در خصوص کودکان و نوجوانان معارض با قانون، قانون گذار ایران با تصویب ق.ر.م.ا، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار مصوب ۱۳۳۸ را که ضمن درجه بندی مسئولیت کیفری، واکنش‌های اصلاحی- تربیتی متنوعی را پیش-بینی کرده بود، نسخ کرده و در زمینه تعیین واکنش علیه اتهام به ارتکاب جرائم کودکان و نوجوانان معارض با قانون به شرح ماده ۲۶ مقرر داشت: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت می‌باشد. (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۸۹)

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن به عهده ولی طفل می‌باشد.

تبصره ۳- در جرائم مهمه هرگاه برای تربیت اطفال بزه‌کار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد.

با تصویب ق.م.ا. مقنن با اصلاحاتی جزئی، ماده ۲۶ را به شرح ماده ۴۹، اصلاح کرده، تبصره ۲ را به عنوان ماده ۵۰، و تبصره ۱ را بدون تغییر تصویب کرد و تبصره ۳ سابق را به عنوان تبصره ۲ چنین اصلاح کرد: «هرگاه برای تربیت اطفال بزه کار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد».

مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ ق.م.ا که در واقع مخصص ماده ۴۹ محسوب می‌شوند برای کودکان و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم لواط مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه شلاق مقرر می‌کنند. این در حالی است که طبق ماده ۴۹ آنان را فاقد مسئولیت کیفری دانسته است.

به طوری که ملاحظه می‌شود، اولاً، طبق ماده ۴۹ قاضی دارای اختیارات گسترده‌ای در تعیین واکنش از اتخاذ تصمیمات اصلاحی-تربیتی در سپردن به اولیا اطفال یا فرستادن به قانون اصلاح و تربیت به هرمدتی که مصلحت بداند یا تنبیه بدنی آنان است. بدیهی است که این روش نمی‌تواند موجب حمایت اطفال و نوجوانان معارض با قانون باشد. از این رو، قضات دادگاه‌های اطفال با اتخاذ سیاست جنائی قضایی اصولی و با اختیارات گسترده، نقض قانون را

برطرف کرده و مبادرت به صدور احکام تربیتی- اصلاحی به جای مجازات‌های سرکوب‌گر و تنبیهی نموده‌اند. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال که شور اول آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، واکنش‌های حمایتی و مناسبی درخصوص جرائم اطفال و نوجوانان مقرر داشته است که به موارد مهم آن اشاره شد. (امینی و آیتی، ۱۳۹۲: ۱۱)

ب- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱

اولین قانون حمایتی خاص ناظر به کودکان و نوجوانان بزه دیده است. مهمترین مصداق‌های ماهوی این قانون را به شرح زیر می‌توان دسته بندی کرد:

- خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان و نوجوانان به منظور اعمال خلاف از قبیل قاچاق، حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال (ماده ۳).

- صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نوجوانان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و منع تحصیل آنان سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی (ماده ۴).

لازم به یادآوری است که به موجب ماده ۸ همان قانون، «اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آنها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد».

ج- قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳

در مواد ۱ و ۲ این قانون قاچاق انسان و اعمال در حکم آن تعریفی شده است. به موجب ماده ۱: قاچاق انسان عبارت است از:

۱- خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز و یا غیر مجاز افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

۲- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود».

طبق ماده اعمال در حکم «قاچاق انسان» به شرح ذیل احصاء شده‌اند:

«الف- تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد.

ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا

افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند یا رضایت آنان باشد. ج- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت) حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد.»

مجازات مرتکب قاچاق انسان به موجب ماده ۳ به این شرح مقرر شده است:

«چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر جوهه یا اموال حاصل از بزه یا وجود و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود.»

در تبصره ۱ این ماده در راستای حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان آمده است که «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.»

د- قانون مربوط به حضانت ۱۳۶۵

این قانون که به صورت ماده واحده به تصویب رسیده است، به منزله ضمانت اجرای کیفری از حکم دادگاه خانواده که حضانت کودکی را به افراد واجد صلاحیت واگذار کرده است و شخص دیگری هرچند که پدر یا مادر او باشد، از اجرای حکم ممانعت کند، مقرر داشته است که «چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم مقام آن دادگاه، حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری، مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد، دادگاه صادر کننده حکم، وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجراء حکم محکوم خواهد شد.»

ه- قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ با اصلاحات ۱۳۶۳

به موجب ماده ۱۶ این قانون، افرادی که موظف به اعلام ولادت اطفال و امضاء دفتر ثبت کل وقایع سازمان ثبت احوال هستند، به ترتیب عبارت‌اند از: پدر یا جد پدری، مادر، وصی یا قیم امین، اشخاصی که به موجب قانون عهده دار نگهداری طفل‌اند، متصدی یا نماینده موسسه- ای که طفل به آنجا سپرده شده است.

همچنین طبق ماده ۱۹ همان قانون، «ماما یا پزشکی که در حین ولادت، حضور و در زایمان دخالت داشته باشد، مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد.»

به منظور حمایت کیفری از ضرورت اعلام ولادت اطفال، نخست طبق ماده ۴۸ قانون مذکور، در صورتی که اشخاص یاد شده از انجام وظیفه (اعلام ولادت) خودداری نمایند، علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرر، به پرداخت دویست و یک تا پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. وانگهی، به موجب ماده ۴۹ همان قانون، اشخاص یا اشخاص دیگری که در اعلام ولادت اطفال یا وفات یا هویت آن، برخلاف واقع، اظهار نمایند و نیز ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند، به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد. (رواسیان و کاشی، ۱۳۸۸: ۳۱)

وفق ماده ۵۱ «هرکس تعمداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند، به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

و- قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱

به موجب این قانون، کودکان بی سرپرست یعنی «کودکانی که بنا به هر علت و به طور دائم و یا موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند» از حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی بهره مند شده‌اند.

در راستای حمایت از این کودکان و تامین حقوق حمایتی آنان، ماده ۷ قانون مقرر می‌دارد که «هرکس بر اساس اسناد و گواهی‌های خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمک‌های نقدی و غیر نقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیر حق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد».

ی- ماده واحده تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک ۱۳۸۰

ماده ۳ این ماده واحده بدترین اشکال کار کودک را شامل موارد زیر دانسته است:

الف- کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش، قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجبار کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه.

ب- استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید هرزه نگاری یا اجراهای هرزه نگارانه.

پ- استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیر قانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده‌اند. (ولیدی، ۱۳۸۶: ۴۳)

ت- کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد.

تبصره ۲ این ماده واحده قانون ضمانت اجرای کیفری بندهای مزبور را به شرح ذیل تعیین کرده است: «اشخاصی که کودکان را به کارهای موضوع بند(ت) ماده(۳) کنوانسیون بگمارند، مشمول مجازات‌های ماده (۱۷۲) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشند و پروانه کار آنها توسط دستگاه ذی ربط به طور موقت لغو خواهد شد. در خصوص سایر بندهای ماده (۳) طبق قوانین موضوعه خواهد بود».

به طوری که ملاحظه می‌شود، بند(ت) ناظر به کار یا شرایط کاری مضر یا احتمالاً مضر به سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان است که در قوانین موضوعه فاقد ضمانت اجرای کیفری بوده است.

- بر اساس آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵، تمهیداتی برای اطفالی که مادر زندانی دارند و همچنین تفکیک زندانیان زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. در ماده ۴ این آیین‌نامه نکاتی در زمینه نگهداری زندانیان زن مورد تاکید قرار گرفته است که به شرح زیر است:

الف- مادران زندانی حق دارند فرزند شیرخوار خود را تا سن ۲ سالگی در زندان و یا بازداشتگاه‌ها نگهداری نمایند. افزایش مدت مذکور تا سقف ۶ سال با نظر شورای طبقه‌بندی امکان‌پذیر می‌باشد.

ب- مددکاران اجتماعی مکلف‌اند، با رعایت بند الف ترتیب سپردن اطفال را به خانواده و در صورت عدم پذیرش خانواده به بهزیستی، یا مؤسسه خیریه نگهداری اطفال فراهم سازند.

ج- مسئولین زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها مکلف به تهیه وسایل بهداشتی برای زندانیان زن و تغذیه مناسب برای مادران زندانی و اطفال همراه در زندان می‌باشند.

د- زنان باردار و اطفال شیرخوار با مادرانشان تحت رژیم خاص غذایی قرار گرفته و در قسمت جداگانه از زندان یا بازداشتگاه نگهداری می‌شوند.

- در مورد سن مسئولیت کیفری، در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲، ضمن

آنکه همچون گذشته سن مسئولیت کیفری را برای دختران ۹ سال تمام قمری قرار داده، تلاش کرده با تفکیک مسئولیت کیفری اطفال در حدود و قصاص و تعزیرات تا حدودی مشکلات را کاهش دهد. بدین جهت در این قانون نظامی دوگانه برای مسئولیت کیفری پذیرفته شده است؛ یعنی در حالی که در جرایم تعزیری سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال شمسی تعیین و قائل به پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی شده است، اما در جرایم حدود و قصاص، سن ۹ و ۱۵ سال قمری را ملاک قرار داده و همان مسئولیت را برای دختران ۹ سال قمری به بالا قائل است.

همچنین بر اساس این مصوبه، مجازات‌های تعزیری برای افراد زیر ۱۸ سال با افراد بالای ۱۸ سال متفاوت خواهد بود. همچنین دیگر افراد زیر ۱۸ سال به زندان محکوم نشده و به مراکز تربیتی همچون کانون اصلاح و تربیت منتقل می‌شوند.

بر اساس قانون مجازات جدید، قانونگذار تلاش کرده است با ملاک قرار دادن «رشد عقلی» علاوه بر میزان سن، راهکاری عملی در اختیار دادگاه و قاضی قرار دهد تا برای کودکان از صدور مجازات‌های حدی چون قصاص خودداری کند و بر اساس ماده ۹۰ این قانون «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد».

البته شورای نگهبان در ماده ۹۳ این قانون نیز اصلاحاتی انجام داده و طبق آن دست قاضی را برای تعویق یا تعلیق مجازات‌های تعزیری نوجوانان باز گذاشته است. این ماده قانونی بدین شرح است: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق نماید».

- قانون جدید آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، براساس این قانون دادگاه‌های تخصصی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگستری‌های سراسر کشور شکل می‌گیرد و این دادگاه مسئولیت رسیدگی به کلیه جرایم مربوط به افراد زیر ۱۸ سال را برعهده خواهند داشت. در تبصره ماده ۲۹۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است: که در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود».

اگرچه بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون، تحقیق در خصوص جرایم افراد زیر ۱۵ سال به طور

مستقیم در دادگاه انجام می‌شود اما برای تعقیب و تحقیق در خصوص جرایم افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال قانونگذار پیش‌بینی تشکیل شعب خاصی از دادرسی را با عنوان «دادسرای نوجوانان» پیش‌بینی کرده است. براساس ماده ۲۸۵ قانون جدید، «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال، در این دادسرا به عمل می‌آید».

برای جلوگیری از اثرگذاری هرگونه برخورد قضایی یا حقوقی با اطفال، قانونگذار پیش‌بینی کرده است تا به جرم اطفال در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی شود. بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون جدید، «در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست».

حمایت از کودکان در معرض انحراف

در حقوق کیفری اطفال با سه مقوله یا بهتر است بگوییم با سه مفهوم روبه‌رو هستیم. «بزه- کاری اطفال»، «بزه‌دیدگی اطفال» و «اطفال در معرض انحراف». بزهکاری اطفال شامل مجموعه جرایمی می‌شود که صغار مرتکب می‌شوند. بزه‌دیدگی اطفال شامل مجموعه جرایم ارتكابی علیه اطفال است؛ و طفل در معرض انحراف یک مفهوم بینابین است. زمانی که طفل به لحاظ وضعیت و موقعیت شخصی خود یا به لحاظ وضعیت و خصوصیات والدین، دوستان، همکلاسی‌ها و محیط خود، در آستانه ارتكاب جرم (بزهکاری) یا تحمل جرم (بزه‌دیدگی) قرار می‌گیرد، در واقع در معرض انحراف آلوده شدن به جرم و آسیب‌های اجتماعی دیگر است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳)

در قوانین کشور ما «انحراف» تعریف نشده است، لیکن انحراف را باید مجموعه اوضاع و احوالی دانست که احتمال لغزش از مشی مطلوبی که مورد حمایت قانون می‌باشد در آن بسیار قوی است. اگر رفاه، امنیت، تعالی فکری و اخلاقی که منافع عالیه طفل (ماده ۳ پیمان‌نامه حقوق کودک) را تشکیل می‌دهد، اهم ملاحظاتی باشد که مورد اهتمام نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه است، انحراف از مشی نهادهای مذکور را می‌توان اوضاع و احوال مخاطره آمیز برای

کودک تلقی نمود.

وضعیت مخاطره آمیز بر اساس ماده ۵ لایحه پلیس ویژه اطفال، اوضاع و احوالی است که در صورت عدم مداخله قانونی به منظور حمایت از طفل و نوجوان موجب بزه دیدگی و ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و آموزش وی خواهد بود. موارد زیر از جمله مصادیق و وضعیت های مخاطره آمیز برای طفل و نوجوان محسوب می شود:

۱. بی سرپرستی طفل و نوجوان یا بی توجهی و سهل انگاری والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی نسبت به وی و تامین نیازهای حیاتی و ضروری او؛
 ۲. ابتلای هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلالات رفتاری، روانی، و شخصیتی و یا بیماری های جسمی واگیر دار صعب العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛
 ۳. زندانی شدن هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی و یا اعتیاد زیان آور هر یک از آنها به مشروبات الکلی، موادمخدر، روان گردان یا قمار؛
 ۴. خشونت مستمر والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛
 ۵. عدم ثبت واقعه ولادت یا اخذ شناسنامه برای طفل و نوجوان یا محروم کردن وی از تحصیل؛
 ۶. متارکه والدین یا طرد شدن طفل و نوجوان از سوی آنها؛
 ۷. ناتوانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری های خاص یا اختلال هویت جنسی یا اعتیاد وی به موادمخدر و روانگردان یا مشروبات الکلی؛
 ۸. بزهکاری، وارد شدن در فعالیت های نظیر تکدیگری و قاچاق با انجام مکرر رفتارهایی مانند فرار از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل و نوجوان؛
 ۹. سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان یا سوء استفاده و بهره کشی از او.^۱
- مهمترین عوامل انحراف برای کودکان را می توان در چهار قلمرو دسته بندی کرد:
- عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل تحصیلی، عوامل مربوط به گروه همسالان و محلی.
- این عوامل بر اساس موضوع، به سه دسته تقسیم می شود: ۱- نسبت به سلامت؛ ۲- نسبت به امنیت؛ ۳- نسبت به تربیت اخلاقی. و بر اساس آثار و تبعات و قرائن موجود راجع به میزان صدمات وارده یا احتمالی نیز به: ۱- خطر شدید و قریب الوقوع؛ ۲- خطر ضمنی خفیف تقسیم می شوند.

^۱ - پیش نویس لایحه پلیس اطفال و نوجوان، ۱۳۹۴

کودکانی که از نیازهای اساسی یعنی تغذیه، بهداشت و آموزش اجباری محروم‌اند یا در معرض سوء رفتار جسمی و جنسی یا مجازات غیر منصفانه قرار دارند و از کمک و حمایت قانونی محروم‌اند، کودکان در معرض انحراف یا کودکان در وضعیت دشوار نامیده می‌شوند. همچنین کودکانی که در خانواده از هم پاشیده، منحرف، طلاق و دارای سوء رفتار زندگی می‌کنند نیز ممکن است در اوضاع دشواری زندگی کنند که احتمال ارتکاب به جرم را افزایش دهد، به عبارتی در معرض خطر بزهکاری قرار گیرند یا به دلیل شرایط دشوار در معرض وضعیت قبل از بزه دیدگی قرار گیرند. هر چند نباید احتمال بزهکاری کودکان بزه دیده را نیز فراموش نمود (مانند وادار کردن کودکان به توزیع و فروش مواد یا روسپیگری توسط والدین معتاد و منحرف) این دسته به تدریج که رشد می‌کنند به مستعدترین افراد برای سرپیچی از قانون یا نقض آن تبدیل می‌شوند. (معظمی، ۱۳۹۰: ۵۶)

حمایت از کودکان در معرض انحراف در پرتو قوانین بین‌المللی

گرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌ها بر حقوق و حمایت از کودکان تاکید داشتند اما افزایش سوء استفاده از کودکان و استثمار آنها موجب شد در سال ۱۹۷۸ دولت لهستان سازگار حمایت از کودکان را مطرح و پیش‌نویس کنوانسیون در زمینه حقوق کودک را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارائه کنند که سرانجام در سال ۱۹۸۹ طی قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی رسید. کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن درباره خرید و فروش کودکان، خودفروشی کودکان و هرزه نگاری کودکان مصوب ۱۸ ژانویه ۲۰۰۰ نیز مهم‌ترین سند الزام‌آور بین‌المللی و قاعده ساز در زمینه حقوق کودکان است.

کنوانسیون اگرچه به طور مستقیم به اطفال در معرض انحراف اشاره نکرده است اما در اصول مختلف خود به طور غیر مستقیم در بند ۲ ماده ۹، بند ۱ ماده ۱۹، بند ۱ ماده ۲۷ و ماده ۳۲ به این اطفال اشاره کرده است. (زینالی امیر حمزه، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۱)

حمایت از کودکان در معرض انحراف در پرتو قوانین داخلی

در حقوق ایران در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در مورد اطفال در معرض انحراف، از به خطر افتادن صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در اثر نبود مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادر او و ذکر مصادیق نبود مواظبت و انحطاط اخلاقی در ۵ بند صحبت می‌کند و برای حمایت از چنین اطفالی، سلب صلاحیت حضانت از چنین پدر و مادر ناصالحی پیش‌بینی شده است.

در این قانون موارد زیر از مصادیق نبود مواظبت یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

- ۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛
- ۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشا؛
- ۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی؛
- ۴- سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تكدی‌گری و قاچاق؛
- ۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

پلیس به عنوان نهاد اجرای قانون وظیفه دریافت گزارش وضعیت مخاطره آمیز کودک را به عهده دارد تا بر این اساس اقدامات پیشگیرانه را در قبال او و با همکاری سایر نهادها به عمل آورد.

ماده ۸ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب سال ۱۳۹۲ نیز می‌گوید سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط زیر باشند:

- الف. امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جدپدری آنان وجود نداشته باشد.
- ب. پدر، مادر، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید حیات نباشند.
- ج. افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیتدار به سازمان سپرده شده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان، پدر یا مادر یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری برای سرپرستی آنها مراجعه نکرده باشند.
- د. هیچ یک از پدر، مادر و جدپدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری صلاحیت سرپرستی را نداشته باشند و به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود.

ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۲، کودک آزاری را از جرایم عمومی دانسته و می‌گوید رسیدگی به این جرایم احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. همچنین در ماده ۶ همین قانون کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را برای پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۶۸)

در بند ب ماده ۶ لایحه حمایت از کودکان در معرض خطر (که مراحل تصویب خود را در مجلس می‌گذرانند) نیز آمده: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است با همکاری سازمان بهزیستی کشور نسبت به شناسایی کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انجام حمایت‌های مورد نیاز و اجرای سایر وظایف محوله بر اساس مقررات این قانون اقدام کند» و از این نیرو به عنوان گزارشگر اجباری در امر کودکان و نوجوانان یاد کرده است.

سیاست جنایی ایران در حمایت از کودکان در معرض انحراف

سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم علیه آزادی و تمامیت معنوی کودکان در چهار جنبه آدم ربایی و مخفی کردن طفل، تعویض طفل، سوء استفاده از کودکان برای تکدی‌گری و سوء استفاده از کودکان در کار قابل بررسی است:

- آدم ربایی، ربودن و مخفی کردن طفل

آدم ربایی معمولاً توأم با اجبار مادی علی‌اشخاص ارتکاب می‌یابد، بنابراین چنانچه علیه اطفال صورت گیرد تهدید مضاعفی را برای آنها به وجود می‌آورد.

سیاست جنایی قانونگذار ایران در قبال این پدیده، همواره مبنی بر تشدید مجازات بوده به موجب ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هرنحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هرنحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده، محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. (آنسل، ۱۳۹۱: ۵۳)

در بسیاری از موارد، ربایندگان به سوء استفاده از کودکان ربوده شده اقدام می‌کنند. از قبیل آنکه برای حمل یا توزیع مواد مخدر از آنان سود می‌جویند یا به انجام کارهای سخت و زیان‌آور وادارشان می‌کنند. مجرم در صورتی که علاوه بر ربودن و مخفی کردن، مرتکب جرایم دیگری نیز شده باشد، اعمال او مشمول مقررات تعدد جرم خواهد بود.

- تعویض طفل

این جرم بیشتر نسبت به اطفالی که تازه متولد شده‌اند صورت می‌گیرد. با قلمداد کردن

طفل تازه متولد شده به جای طفل دیگر و یا سپردن به زن دیگر، هم نگهداری کودک به مخاطره می افتد و هم حقوق والدین تضییع می شود، بنابراین قانونگذار درصدد حمایت از طفل و حقوق او برآمده است. ماده ۶۳۱ قانون مجازات تعزیرات مقرر می دارد:

«هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند و او را به جای طفل دیگر یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه الی ۳ سال حبس، محکوم خواهد شد». (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۵)

- سوء استفاده از کودکان برای تکدی گری

به لحاظ رواج و شیوع فراوان سوء استفاده از کودکان برای تکدی گری، دست فروشی، جیب بری، معرکه گیری و همانند آن قانونگذار ایرانی به حمایت کیفری از کودکان در برابر اینگونه اقدامات پرداخته است. تکدی، یکی از پدیده های زشت اجتماعی که علل بروز آن متعدد است بعد از انقلاب، طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و در صورت توان مالی مرتکب اموال حاصل از این طریق نیز مصادره خواهد شد. ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات استفاده از طفل صغیر را در تکدی به طور خاص جرم محسوب کرده و به سه ماه تا دو سال حبس محکوم کرده است، گرچه وسیله قرار دادن طفل در امر تکدی از نوع معاونت در جرم است اما قانونگذار به جهت حمایت خاصی که برای این نوع از معاونت در جرم است اما قانونگذار به جهت حمایت خاصی که برای این نوع از معاونت، قایل است، آن را به عنوان بزه می مستقل تلقی کرده است.

- سوء استفاده از کودکان در کار

کار کودکان در جهان، همیشه به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح بوده است به ویژه که در برخی کشورها، کودکان به کارهای سخت و طاقت فرسا یا خطرناک گمارده می شوند. یکی از مصادیق بارز کودک آزاری، استثمار اقتصادی آنان از طریق به کارگیری آنان در کارهای سخت و خطرناک است. قانونگذار ایرانی جهت مقابله با اینگونه سوء استفاده در خصوص شرایط کار اطفال و حداقل سن کار، مقرراتی را پیش بینی نموده است. قانون کار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۶۹) مبحثی را به شرایط کار نوجوانان اختصاص داده و مواد ۷۹ تا ۸۴ این قانون، چتر حمایتی خود را روی نوجوانان انداخته است. ماده ۷۹ قانون فوق، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده است. برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا

تأدیه حقوق کارگر یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد، به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

- ۱- برای تا ۱۰ نفر، ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- ۲- برای تا ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰ نفر، ۲۰ تا ۵۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر.
- ۳- برای بالاتر از ۱۰۰ نفر نسبت به مازاد ۱۰۰ نفر، ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر. در صورت تکرار تخلف، متخلفان مذکور به حبس از ۹۱ روز تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. برابر با ماده ۸۱، پزشک باید در مورد تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان (اگر بین ۱۵ تا ۱۸ سال) اظهار نظر کند. همچنین ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات معمولی کارگران است. (پراذل، ۱۳۹۰: ۱۱)

در قانون کار، ضمانت نامه‌های اجرایی کیفری مناسب نیز در نظر گرفته شده که در ماده ۱۷۵ قانون کار آمده است و نظر به اینکه مقررات کیفری قانون کار در ارتباط با نظم عمومی و مصلحت اجتماعی تنظیم شده است، نیازی به اعلام شکایت شاکی خصوصی نیست و با اعلام رضایت شاکی خصوصی، تعقیب کیفری متوقف نخواهد شد. با اینکه حداقل سن کودکان، ۱۵ سال تعیین شده در عین حال این قانون شامل کار در کارگاه‌های خانوادگی (ماده ۱۸۸) و کسب-های کوچک با کمتر از ده نفر (ماده ۱۹۱) نمی‌گردد.

در نتیجه، قانون از استثمار کودک توسط والدین خویش جلوگیری نمی‌کند. بیشتر کودکان کارگر در موسسات غیر رسمی مشغول به کار هستند که عمدتاً فعالیت آنها پنهانی و غیر قابل گزارش است. کودکانی که به طور مستمر در مزارع کار می‌کنند یا ساعات طولانی در کارگاه-های قالی بافی به درآمد خانواده کمک می‌کنند هیچ‌گاه شاغل تلقی نمی‌شوند.

قانون تشدید مجازات به کار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال در کارگاه‌های فرش بافی (مصوب ۱۳۴۷) شامل کارگاه‌های خانوادگی نمی‌شود. این مساله باید مورد توجه و بازنگری مسئولان امر قرار گرفته، جهت جلوگیری از سوء استفاده کودکان در چنین کارگاه‌هایی، راهکارهای قانونی مناسبی اتخاذ گردد.

سیاست جنایی در قبال اطفال در معرض انحراف باید سیاست جنایی پیشگیری باشد تا با تصویب قانونی در جهت حمایت از کودکان در معرض انحراف بزهکاری و بزه دیدگی گام بردارد.

یافته‌های نوین اندیشمندان حوزه جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در زمینه علل گرایش افراد به بزهکاری موجب شد که سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و بسیاری

از کشورها رویکرد پیشگیری رشد مدار را محور تلاش‌های پیشگیرانه خود قرار دهند و سیاست جنایی خود را بر آن منطبق کنند. پیشگیری رشد مدار به عنوان راهکار موثر پیشگیری از مجرمیت، شناخت عوامل انحراف گرایش به بزهکاری در دوران رشد و تقویت عوامل حمایت کننده از اطفال و نوجوانان در معرض انحراف را هدف اصلی خویش قرار داده است؛ بنابراین اطفال و نوجوانان در معرض انحراف بزهکاری موضوع اصلی پیشگیری رشد مدار است.

مهمترین ارکان جرم شناسی رشد مدار، شناخت عوامل خطر ساز در جریان فرآیند رشد است. محور این پژوهش‌ها، شناخت عواملی است که احتمال بزهکاری در مراحل بعدی زندگی را افزایش می‌دهند. علاوه بر این، مطالعه عوامل خطر ساز، مستلزم تمرکز بر عوامل حمایت کننده نیز است. عوامل حمایت کننده عبارتند از عواملی که احتمال بزهکاری را کاهش می‌دهد. (هدوی، ۱۳۸۸: ۶۸) در همین مسیر، حوزه جرم‌شناسی رشد نگر، اقدام به ایجاد نمونه‌ای از عوامل خطر ساز و حمایت کننده کرده که گروه‌های پرخطر در آن مورد نظارت قرار می‌گیرند و از پیشگیری رشد مدار برخوردار می‌شوند. این پیشگیری در قالب رویکردهای پیشگیرانه زیر به اجرا گذاشته می‌شود:

- ۱- پیشگیری اجتماعی به معنای مداخله به منظور تغییر شرایط اجتماعی است.
- ۲- پیشگیری وضعی که منجر به کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم می‌شود.
- ۳- پیشگیری عدالت کیفری که با استفاده از اصطلاحات و راهکارهای بازپرورانه تحقق می‌یابد.

نتیجه گیری

آنچه که باید به عنوان مبنای بزه دیدگی اطفال مورد توجه قرار گیرد، وضعیت خاص اطفال است، چه وضعیت خاص نظیر کم سن و سال بودن، وابستگی به پدر و مادر، فقر، نیاز به توجه و محبت در این سنین و نظایر آن از یک طرف و از سوی دیگر، همنشینی با هم سن و سالان ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که اگر طفلی به عنوان بزهکار و محکوم در یک محل گذران محکومیت نظیر کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برد، پیش از هر چیز باید وی را بزه دیده و قربانی به شمار آورد و نه بزهکار؛ چه وی دیروز قربانی یکی از عوامل مذکور بوده و امروز به عنوان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برد. خطرات کلی بزه‌دیدگی چهره خطرات واقعی بزرگتر برای برخی گروه‌ها را تغییر می‌دهد. افراد گروه‌های معین ممکن است، بزه دیده

تعداد زیادی از جرایم در طول یک سال واقع شوند در حالی که دیگران در سایر گروه‌های فرعی ممکن است هرگز بزه دیده نشوند یا فقط ندرتاً یک جرم را تجربه کنند. مهمترین عوامل انحراف برای کودکان را می‌توان در چهار قلمرو دسته بندی کرد: عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل تحصیلی، عوامل مربوط به گروه همسالان و محلی. در حقوق ایران در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در مورد اطفال در معرض انحراف، از به خطر افتادن صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در اثر نبود مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر و مادر او و ذکر مصادیق نبود مواظبت و انحطاط اخلاقی در ۵ بند صحبت می‌کند و برای حمایت از چنین اطفالی، سلب صلاحیت حضانت از چنین پدر و مادر ناصالحی پیش بینی شده است. همچنین ماده ۸ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست مصوب سال ۱۳۹۲ نیز سپردن سرپرستی افراد موضوع این قانون در صورتی مجاز است که دارای یکی از شرایط آن ماده باشند. بنابراین سیاست جنایی در قبال اطفال در معرض انحراف باید سیاست جنایی پیشگیری باشد تا با تصویب قانونی در جهت حمایت از کودکان در معرض انحراف بزهکاری و بزه دیدگی گام بردارد. پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان به عنوان نخستین راه حل در زمینه کاهش انحراف کودکان و همچنین جلوگیری از تکرار جرم بر روی اطفالی که چنین تجربه تلخی دارند دارای اهمیت فراوانی است. در سیاست جنایی پیشگیری از جرم؛ شناخت عوامل موثر در وقوع جرم، مطالعه بزهکار و بزه دیده و موقعیت‌های جرم زا و کنترل و مهار آنها بدون استفاده از روش اجرای مجازات، اختلال در وضعیت ماقبل از جرم جهت حمایت از حقوق کودکان در معرض انحراف موثر می‌باشد.

منابع فارسی

کتب

- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، ویراست چهارم، تهران، گنج دانش
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل کیفری*، گزیده مقالات ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- پرادل، ژان (۱۳۹۰)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، سمت
- پیش‌نویس لایحه پلیس اطفال و نوجوان، ۱۳۹۴
- پیکا، جرج (۱۳۸۹)، *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین، نجفی ابرند آبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- رواسیان، کاشی، سمیرا (۱۳۸۸)، *فصل مشترک تبعیض‌ها (بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان)*، نشر شیرازه، چاپ اول
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲)، *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، انتشارات مجد، چاپ چهارم
- علیرضا امینی، محمدرضا آیتی سید (۱۳۹۲)، *تحریر الروضه فی شرح اللمعه*، تهران، انتشارات سمت
- علی حسین نجفی ابرند آبادی، حمید هاشم بیکی (۱۳۹۰)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، گنج دانش
- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲
- معظمی، شهلا (۱۳۹۰)، *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، تهران، نشر دادگستر
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۲)، *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی و اسناد بین‌المللی*، تهران، راه تربیت
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، *سخنرانی کودکان در معرض خطر و بزهکاری اطفال*، کمیسیون حقوقی و قضایی آموزش دادگستری استان تهران
- نوربها، رضا (۱۳۹۱)، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ ۳۳، تهران، گنج دانش
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری اقتصادی*، نشر میزان، چاپ اول، تهران

مقالات

- حبیب‌الله طاهری، ثریا قنبری کرمانشاهی (۱۳۸۹)، *بررسی جرم کودک‌آزاری از دیدگاه*

قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه، پژوهش‌های فقهی، سال ۶، شماره ۳

- طارمی، محمدحسین (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری، پگاه حوزه، شماره ۲۷۸

- محسنی، فرید (۱۳۹۳)، دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشد مدار، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۶

- همتی، مجتبی (۱۳۸۳)، کار کودک در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران، کار و جامعه، شماره ۵۳

خبرگزاری

- زینالی امیر، حمزه (۱۳۸۸)، ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه

- محمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، روسپیگری واسطه‌گری از نظر تئوری‌های نوین جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق

- مصلی‌نژاد، نیوشا (۱۳۸۸)، بررسی توزیع جنسیتی جرایم استان تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق

- هدوی، محمود (۱۳۸۸)، اطفال و نوجوانان در معرض خطر. مطالعه موردی بررسی عوامل خطر بزهکاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، استاد راهنما دکتر محمد آشوری، دانشگاه تهران